

غزل شماره ۳۴۶

من نه آن رندم که ترکِ شاهد و ساغر کنم
محتسب داند که من این کارها کمتر کنم

من که عیبِ توبه کاران کرده باشم بارها
توبه از می وقتِ گل دیوانه باشم کر کنم

عشق در دانه ست و من غواص و دریا می‌کده
سرفرو بردم در آن جاتا کجا سر بر کنم

لله ساغر کیر و زر کس مست و برمانامِ فق
داوری دارم بسی یارب، که را داور کنم؟

بازکش یک دم عنان ای ترکِ شهر آشوبِ من
تاز اشک و چهره راهت پر زرو گوهر کنم

من که از یاقوت و لعلِ اشک دارم کنجها
کی نظر در فیضِ خورشید بلند اختر کنم

چون صبا مجموعہ کل را بہ آبِ لطف شست
کج دلم خوان، گر نظر بر صفحہ دقتر کنم

عهد و پیمانِ فلک را نیست چندان اعتبار
عهد با پیمانۀ بندم، شرط با ساغر کنم

من که دارم در کدایی کنجِ سلطانی به دست
کی طمع در گردشِ گردونِ دونِ پرور کنم

گر چه گرد آلودِ فقرم، شرم باد از مہتمم
گر به آبِ چشمۂ خورشید امان تر کنم

عاشقان را اگر در آتش می‌پسند لطفِ دوست
نگ چشمم گر نظر در چشمۂ کوثر کنم

دوش لعلش عشوه‌ای می‌داد حافظ را، ولی
من نه آنم کز وی این افسانه باور کنم

تفسیر فال

سعی و تلاش خود را به کار می‌بندید و بر این باور هستید که می‌توانید عیب‌ها و کمبودهای خود را برطرف نمایید. در این مسیر، بسیار مهم است که هدف مشخصی برای خود تعیین کنید و از اقدام‌های شتابزده و بی‌فکر پرهیز کنید. همچنین، باید توجه داشته باشید که مشورت با دیگران نه تنها یک ضرورت بلکه گنجی پنهان در کنار شماست؛ اما ممکن است به دلیل عدم دقت کافی آن را نادیده بگیرید. افرادی که با شما قرارداد یا پیمان بسته‌اند، ممکن است به عهد خود پایبند نباشند؛ بنابراین لازم است همواره هوشیار باشید و روابطتان را با دقت مدیریت کنید تا از بروز مشکلات احتمالی جلوگیری نمایید.

به کوشش : [پارسی‌دی](#)

منبع تفسیرها: [آلاتو](#) و [سلام دنیا](#)